

اجتماع و افتراق دنیا و آخرت از منظر آیات و روایات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴

پروانه اکبری^۳

چکیده

بی تردید میان دنیا و آخرت تفاوت‌هایی است؛ زیرا دو عالم، دو نشئه و دو نوع زندگی با قوانین متفاوت‌اند. این مقاله به اجتماع و افتراق دنیا و آخرت پرداخته است. روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای یعنی استفاده از تحقیقات و کتب و منابع کتابخانه‌ای تدوین شده است. ابتدا هدف از خلقت دنیا و ارزش دنیا بیان شده است. سپس اجتماع دنیا و آخرت شرح داده شده است. قرآن کریم، توجه به دنیا و آخرت و تأمین خواسته‌ها و نیازهای دنیوی و اخروی را توأماً از مؤمنان خواسته است. دنیا همواره بازدارنده از آخرت نیست، بلکه گاه دنیا در کنار آخرت و گاه در مسیر آخرت قرار گرفته است. در این دو صورت، دنیا و آخرت با یکدیگر جمع شده‌اند. در انتهای مقاله و در بحث افتراق دنیا و آخرت نیز به تفاوت‌های دنیا و آخرت از باب نعم و عذاب اشاره شده است.

کلیدواژگان: دنیا، آخرت، نعم، عذاب.

مقدمه

دنيا اسم تفضيل مؤنث (مذکر آن أدنی) از ماده «دنو» به معنای نزدیک تر و پست تر است. مفهوم نزدیکی در کلمه «أدنی» گاه کمی است که در این صورت به معنای اصغر (کوچکتر) در مقابل اکبر است و گاه کیفی است که در این صورت به معنای اَرْدَل (پست تر) در مقابل «خیر» است (محمدی و همکاران، ۱۳۸۵: ج ۱، ص ۱۴۶). در تعریف اصطلاحی دنیا نیز آمده است که دنیا اگر از دنو باشد به معنی نزدیکی است و اگر از دنی باشد به معنی پستی است. کلمه دنیا اغلب مقابل آخرت استعمال می شود و نزد اهل سلوک، دنیا چیزی است که انسان را از خدا باز دارد (سجّادی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۸۶۴).

آخرت نیز اصطلاح مذهبی و کلامی است و به معنی روز بازپسین و قیامت به کار رفته است. و ترکیباتی هم در اصطلاح عرف مردم با این کلمه وجود دارد، خانه آخرت، آخرتِ کار، آخرِ کار، آخرت معموَر دار. اصل آن مأخوذ از قرآن مجید است (همان، ج ۱، ص ۹).

با نگاهی دقیق تر دنیا و آخرت دو حالت از حالات قلب است. حالت نزدیک تر دنیا و حالتی که از آن متأخر است آخرت نامیده می شود و به همان میل و تمایلش به همه چیزهایی که به قبل و بعد از مرگ مربوط می شوند گفته می شود دنیا و آخرت.

یکی از موضوعات مهمی که باید درباره آنها فکر کرد "مقایسه دنیا و آخرت" است. پس از آن که به این نتیجه رسیدیم که زندگی انسان محدود به این دنیا نیست و پس از مرگ نیز در آخرت ادامه خواهد یافت، مقایسه بین این دو زندگی، و تفکر در باره آنها می تواند کمکی مؤثر برای پیمودن مسیر تکامل باشد. قرآن کریم نیز می فرماید: **كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ** این گونه خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می گرداند، باشد که در باره دنیا و آخرت بیندیشید. پس از آن که توجه پیدا کردید که علاوه بر زندگی دنیا، آخرتی نیز در کار است، اکنون دنیا و آخرت را در کنار هم بگذارید و آن دو را با هم مقایسه کنید (آیت الله مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۶).

این مقاله اجتماع و افتراق دنیا و آخرت را مورد بحث قرار می دهد. ابتدا هدف از خلقت دنیا و ارزش دنیا بیان شده است. سپس اجتماع دنیا و آخرت شرح داده شده است. در بحث افتراق دنیا و آخرت نیز به تفاوت های دنیا و آخرت از باب نعم و عذاب اشاره شده است.

هدف از خلقت دنیا

دنیا برای خودش خلق نشده، بلکه برای چیز دیگری خلق شده است. حضرت امیر(علیه السلام) می فرمایند: «دنیا برای غیر دنیا آفریده شده است نه برای خود (دشتی، ۱۳۷۹: حکمت ۴۶۳، ص ۷۳۸). شما را از دنیا بر حذر می دارم؛ زیرا منزلی است برای کوچ نه برای همیشه ماندن» (همان، خطبه ۱۱۳، ص ۲۱۶).

و حضرت امیر (علیه السلام) آخرت را غایت آفرینش می داند و دنیا را مقدمه آخرت و جای توشه گیری برای آخرت معرفی می کند. گاه دنیا را محل امتحان می خواند و می فرماید:

« خداوند، مردم را در دنیا به آزمایش گذارده است تا روشن شود کدام یک نیکوتر است.» (همان، نامه ۵۵، ص ۴۲۳). اینجا مراد از دنیا، ظرفی است که انسان در آن زندگی می کند و گاهی می فرماید:

« مردم به وسیله دنیا آزمایش می شوند.» (همان، خطبه ۶۳، ص ۷۹). مراد از دنیا در اینجا، نعمت ها و بهره های دنیاست و کسانی از آزمون الهی پیروز به در می آیند که دنیا را توشه آخرت کنند.

عمر اصلی انسان، با عمل های شایسته ای سنجیده می شود که انجام داده است نه با سال هایی که سپری کرده است. آنچه از سرمایه این دنیا برای آبادی آخرت صرف شود، همان میزان عمر حقیقی انسان است. شناخت دنیا، به بصیرت عملی انسان نیز در زندگی می افزاید. آن که برای دنیای ناپایدار می کوشد بازنده است؛ برنده آنکه برای آخرت پایدار می کوشد.

امام حسین (علیه السلام) دنیا را همچون ته مانده ظرفی که دیگران از آن نوشیده اند یا باقی مانده چراگاهی که پیشینیان از آن چربیده اند می داند که خیری در آن نیست و در معرض زوال و دگرگونی است. این سخن را هنگام عزیمت به کربلا فرمودند (ابن شعبه، ۱۳۷۹: ص ۲۴۵).

با این دیدگاه، شوق آخرت پیدا می کند و زندگی دنیا را زیر سلطه جباران و ستمگران مایه دلتنگی و شومی شمرده، آن را برّم می داند، همان زندگی تلخ و ناگوار و منحطی که کوردلان و دنیاپرستان، آن را شیرین می یابند و برای ادامه آن تن به هر خفت و خواری می دهند. اما زندگی در نظر اولیاء خدا در عاشورا هم جلوه اعظم آن رخ نمود، جهاد در راه عقیده و مرگ در راه عزت و شرف و شهادت در راه خداست. اینان به لحاظ درک والاتری که از حیات دارند، زندگی ذیلان را برّم و مایه شکنجه و عذاب و غیر قابل تحمل می دانند (محدثی، ۱۳۸۱: ص ۱۱۹ و ۱۲۰).

ارزش دنیا

به دنیا می توان از سه لحاظ نگریست: ۱- ذات دنیا (اجزا و پدیده های دنیا از جمله انسان)، ۲- ارتباط دنیا با انسان: یعنی محیطی که دنیا برای انسان فراهم می کند ۳- ارتباط انسان با دنیا: یعنی ارتباطی که انسان با دنیا برقرار می کند، مانند بهره مندی از دنیا یا کناره گیری از آن (رشاد، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۳۹۲).

- ارزش ذات دنیا: آیا ذات دنیا، ارزشمند و کامل است؟ یا بی ارزش و ناقص؟ آیا

نظام آفرینش دنیا تحسین برانگیز است؟

در فلسفه اسلامی، هر وجودی در مرتبه ای از کمال است و به اندازه خود دارای کمال است. خداوند متعال در معرفی خود از زبان حضرت موسی (علیه السلام) می فرماید: «همان کسی [است] که هر چیزی را آفرید، نیکو آفرید.» (سوره سجده، آیه ۷؛ و نیز ر. ک: مؤمنون، آیه ۱۴، طه، آیه ۵۰).

- ارزش دنیا از حیث ارتباط آن با انسان: آیا دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، جای خوبی برای انسان است و همه چیزش برای کمال انسان مناسب است؟ یا همه آن و یا برخی از آن پسندیده نیست و مانع رسیدن به کمال انسان است؟ آیا دنیا خیر محض است یا شرّ محض یا آمیزه ای از خیر و شرّ؟

نظر اسلام این است که سراسر جهان را خیر آفریده اند و آفریننده آن خدایی حکیم و عادل و مهربان است و حتی بلاها و گرفتاری‌ها را که به ظاهر شرّند، خیر می‌شمارد.

- ارزش دنیا از حیث ارتباط انسان با دنیا: آیا بهره مندی از دنیا پسندیده است یا نه؟ انسان باید چه مقدار همّت خود را به دنبال دنیا معطوف دارد؟ دیدگاه امیر (علیه السلام) را می‌توان از دو دسته از روایات به دست آورد: دسته اول در بیان کم ارزشی دنیا یا بی ارزشی آن و دسته دوم در بیان ارزشمندی دنیا.

بی ارزشی دنیا را در دیدگاه امیر (علیه السلام) از روایتی که ضرار بن حمزه ضبابی نقل کرده است، می‌توان دریافت: «ای دنیا، ای دنیا، از من دور شو، آیا برای من خود نمایی می‌کنی؟ یا به من شوق می‌ورزی؟! چنین روزی بر تو مباد! هیهات!... تو را سه طلاقه کرده ام تا بازگشتی نباشد. دوران زندگانی تو کوتاه است، ارزشت کم و آرزو کردنت پست است!» (دشتی، ۱۳۷۹: حکمت ۷۷، ص ۴۵۵).

دسته دوم از روایات حضرت (علیه السلام) درباره ارزشمندی دنیا است: از دیدگاه ایشان خدایی که نعمت‌هایش را بر بندگان حلال کرده است، دوست دارد از نعمت‌ها بهره مند گردند و از زهد افراطی بپرهیزند.

از مجموع احادیث می‌توان به این نتیجه رسید که: ۱. بی ارزشی دنیا، نسبی است و اگر آن را با آخرت مقایسه کنند، آشکار است که دنیا در برابر آخرت بی ارزش است.

امیر (علیه السلام) آنگاه که ارزش دنیا را با ارزش آخرت می‌سنجد می‌فرماید: «همه چیز دنیا شنیدنش بزرگ تر از دیدن است و هر چیز آخرت دیدنش بزرگ تر از شنیدن است» (دشتی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۱۴، ص ۱۵۵).

۲. همان گونه که قبلاً بیان شد دنیایی نکوهیده است و بی ارزش که هدف نهایی انسان شود و او را به خود مشغول سازد و از آخرت روی گردان کند و انسان را اسیر خود سازد و خدا، آخرت، دین و حتی خویشتن را در نظرش چنان کوچک نماید که به دنیایش بفروشد.

در ادامه در زمینه ارزش دنیا از حیث ارتباط انسان با دنیا بحث می شود.

ابن عباس گوید: «خدا دنیا را سه جزء قرار داده؛ یک بخش برای مؤمن، یک بخش برای منافق و یک بخش برای کافر؛ پس مؤمن توشه می گیرد و منافق می آراید و کافر بهره می گیرد» (فیض کاشانی، ۱۳۷۲: جلد ۵، ص ۵۰۹).

حضرت عیسی (علیه السلام): «ای گروه حواریون! به کم ترین بهره دنیا، با سلامت ماندن دین خشنود باشید چنان که اهل دنیا به کم ترین بهره دین با سلامت ماندن دنیا خشنودند» (همان، ص ۴۹۸).

در زمینه بهره مندی از دنیا دو دسته آیات به چشم می خورد:

الف) در منابع دینی اسلام آیات و روایاتی وجود دارد که گویی انسان را به ترک دنیا، می خواند. اما اگر به این باور رسیده باشیم که این از امتیازات منحصر به فرد دین خاتم و جاوید و جهانی است که توانسته به نیازهای دنیوی و اخروی انسان پاسخ گوید؛ به سراغ توجیه و تفسیر این گونه آیات و روایات می رویم مثلاً به عنوان نمونه:

۱. آنچه نشان از بی ارزشی دنیا دارد:

در سخنان حضرت امیر (علیه السلام) دنیا نزد خداوند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خود آن حضرت، بی ارزش و بی مقدار است. تشبیه هایی که درباره دنیا به کار برده است به روشنی بر بی ارزشی دنیا دلالت دارد؛ مانند تشبیه دنیا به لقمه نیم خورده، لاشه گندیده، پست تراز استخوان خوکی در دست بیمار جذامی؛ از این گونه روایات چنین برداشت می شود که انسان نباید از دنیای بی ارزش بهره جوید (دشتی، ۱۳۷۹: ص ۵۲۹). اما همان گونه که پیشتر اشاره شد، مطالعه جامع سخنان امام علی (علیه السلام) درباره دنیا به دست می دهد

که بی ارزشی دنیا از دیدگاه وی، بی ارزشی نسبی است نه بی ارزشی مطلق. مواهب دنیا در مقایسه با نعمت های آخرت، و در برابر ارزش های دینی چون عدالت و... بی ارزش است. نكوهش دنیا نیز فقط در دنیای باز دارنده از آخرت است پس بی ارزشی نسبی دنیا، به هیچ وجه ترك دنیا را نتیجه نمی دهد (دشتی، ۱۳۷۹: ص ۱۵۵).

۲. روایاتی که ترك دنیا را نمونه زهد می داند:

و حال آنکه همانطور که در فصل اول، مبحث رفع موانع شناخت بیان شد، زهد که توصیه شرع است به معنای ترك دنیا که خلاف شرع است نیست؛ زهد واقع بینی است در مقابل افراط و تفریط در دنیا شناسی.

زهد در دیدگاه امیر (علیه السلام) به معنای حسرت نخوردن بر از دست رفته ها و شادمان نشدن به رسیده هاست. (دشتی، ۱۳۷۹: حکمت ۴۳۹، ص ۵۲۷) و بیشتر نوعی نگرش به دنیا به شمار می رود تا روش زندگی. البته نگرش زاهدانه، بدون تردید در گزینش روش زندگی مؤثر است، اما الزاماً روش عزلت نشینی و فقر و ترك دنیا را در پی ندارد.

۳. آنچه بر تنافی دنیا و آخرت دلالت دارد (و گویی دعوت به گزینش آخرت و ترك دنیامی کند)

دین انسان را به تأمین سعادت اخروی دعوت می کند و اگر بهره مندی از دنیا با سعادت آخرت منافات داشته باشد و جمع میان این دو ممکن نباشد، بهره مندی از دنیا مورد تأیید دین نخواهد بود.

و در برخی روایات دیده می شود که حضرت امیر(علیه السلام) دنیا و آخرت را دو دشمن متعاند می شناساند که دوس تی یکی باعث دشمنی دیگری و نزدیک شدن به هریک سبب دور شدن از دیگری می شود (دشتی، ۱۳۷۹: حکمت ۱۰۳، ص ۴۶۱).

۴. آنچه بر ستایش فقر دلالت دارد: (و گویی ترك دنیا راستایش می کند)

فقر در برخی روایات، خوب یا نشانه امری پسندیده شناسانده شده است؛ مانند سخن امام صادق (علیه السلام) که افزایش ایمان بنده را موجب زیادتر شدن تنگ دستیش در معاش

معرفی کرده (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۲۷ق: ج ۶۹، ص ۹) یا گفتار رسول (صلی الله علیه و آله) در نکوهش انسان که چرا فقرا دوست ندارد؛ افزون بر این پاداشی که به صبر و رضا و شکر در برابر فقر داده می شود برای غیرفقیر قابل دست یابی نیست. البته خود فقر ثواب ندارد، بلکه ثواب های مذکور از آن صبر و رضا و شکر است؛ زیرا ثواب به فعل اختیاری تعلق می گیرد. با این وجود شاید بتوان گفت، گرچه فقر موجب ثواب نیست، سبب کاهش عذاب می شود.

و بیان این که در این روایات، بحث ترک دنیا با فقر جداست به این که؛ اولاً: فقری که در سخن امام صادق (علیه السلام) با افزایش ایمان بنده فزونی می یابد و نیز فقری که به صبر رضا و شکر در برابر آن، پاداش تعلق می گیرد، فقر غیر اختیاری است؛ یعنی فقری که بنده خود را به آن دچار نکرده باشد و حضرت امیر (علیه السلام) هرگز فقر اختیاری را الگوی بهره مندی از دنیا نخواهد دانست. آسان شدن حساب فقیر نیز به فقر غیر اختیاری مربوط است. ثانیاً: فقری که رسول (صلی الله علیه و آله) آن را فخر خود شناساند، فقر مادی نیست، بلکه احساس فقر و نیاز به خداوند است.

ثالثاً: فقر در سخنان حضرت امیر (علیه السلام) همواره نکوهش شده است. او فقر را مرگ بزرگتر دانسته (دستی، ۱۳۷۹: حکمت ۱۶۳، ص ۴۷۵)؛ آن را مایه نقصان دین و سرگردانی عقل و باعث دشمنی می داند (دستی، ۱۳۷۹: حکمت ۳۱۹، ص ۵۰۵).
اما نکوهش فقر، شامل الگوی زاهدانه بهره مندی از دنیا که برای رهبران دینی و سیاسی ارائه شده، نمی شود.

حال این سوال مطرح می شود که در پندها آنقدر که ظاهراً به ترک دنیا سفارش شده به رفاه، گشایش و آسایش ترغیب نشده است و حال آن که منع شرعی در این زمینه وجود ندارد؟

این به خاطر این است که جاذبه های دنیا، انسان را بی اندازه به سوی خود می کشند. لذا اقتضا می نماید که پند دهندگان برای ایجاد موازنه در انسان، به بدگویی دنیا پرداخته و او را به ترک دنیا ترغیب کنند.

در مقابل آیات و روایاتی که گویی انسان را به ترک دنیا می خوانند، در کتب دینی، به بهره مندی از مواهب دنیا نیز ترغیب شده که به برخی از ترغیب ها اشاره می شود.

۱. کسب مواهب دنیا مطلوب است:

حضرت امیر (علیه السلام): « و همانا از رحمت خدا به دور است کسی که خاک و آب بیابد و باز فقیر و مستمند بماند. »

در این روایت سستی و کوتاهی در کسب روزی نکوهش شده است.

نکته: آنچه در نکوهش فقر یا مطلوب بودن بهره مندی از نعمت های دنیا گفته شده، نیکویی کفاف در بهره مندی را اثبات می کند. از سوی دیگر، گردآوری بیش از کفاف را نکوهش فرموده، آن را انبارداری دیگران خوانده است (دشتی، ۱۳۷۹: حکمت ۱۹۲، ص ۶۷۰).

۲. مواهب دنیا، پاداش دین داری است:

حضرت امیر (علیه السلام): « همانا خدا، آمرزش خواستن را وسیله همیشه فروریختن روزی و موجب رحمت آفریدگار قرار داد » (همان، خطبه ۱۴۳، ص ۱۸۷).

رسول (صلی الله علیه و آله) نیز صله رحم را موجب گشایش در روزی شناسانده است (کلینی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۱۵۶، ح ۲۹). از آیات و روایات به دست می آید که فراوانی روزی چنان که از دید مردم مطلوب است، از دید خداوند نیز پسندیده است و دین داری نه تنها با گشایش روزی منافات ندارد، بلکه با آن ملازم است. از سوی دیگر، گاه محرومیت از مواهب دنیایی کیفراعمال زشت و بی دینی معرفی شده است.

حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند: « خداوند بندگان خود راهنگام گناه، با کمبود میوه ها و جلوگیری از نزول برکات و بستن در خیرات آزمایش می کند؛ برای آن که توبه

کننده‌ای باز گردد و گنهکاری، دل از گناه بکند و پند گیرنده‌ای پند گیرد و باز دارنده‌ای، راه نافرمانی را بر بندگان خدا ببندد» (دشتی، ۱۳۷۹: خطبه ۱۴۳، ص ۱۸۷).

اجتماع دنیا و آخرت

گرچه پرداختن به مسائل معنوی و امور اخروی، جزو مهم ترین و اصلی ترین هدف دنیاست اما رسیدن به این هدف و تحقق آن در جامعه انسانی، هرگز بدون توجه به مسائل دنیوی و حل مشکلات مادی و جسمی بشر میسر نیست.

اساساً همان طور که تفکیک جسم از روح و توجه یک سویه به یکی و غفلت از دیگری، به مسابه نادیده گرفتن بخشی از حقیقت وجودی انسان است، در برنامه ریزی جهت پاسخ گویی به نیازهای انسان نیز اگر تمام توجه به یک بعد انسان باشد و از بعد دیگرش غفلت شود به طور حتم، آن برنامه به سرانجام نخواهد رسید. بر این اساس قرآن کریم، توجه به دنیا و آخرت و تأمین خواسته ها و نیازهای دنیوی و اخروی را توأمأ از مؤمنان خواستار شده و دستور داده است:

« وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا »؛ در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را طلب کن؛ (ولی) بهره ات را از دنیا فراموش مکن! (سوره قصص، آیه ۷۷).

یعنی گرچه تلاش در راه تحصیل زندگی جاوید آن جهانی باید هدف برتر و مهم تر در زندگی باشد ولی این اهم نباید به قیمت نادیده گرفتن زندگی دنیوی به عنوان هدف ابتدایی و مهم به دست آید. حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) نیز به زیبایی، آمیختگی دنیا و آخرت را تبیین کرده و فرموده اند:

« برای دنیایت چنان کار کن که گویا همیشه در آن زندگی خواهی کرد و برای آخرت به گونه ای رفتار کن که گویا فردا خواهی مُرد! » (مجلسی، ۱۴۲۷ق: ج ۴۴، ص ۱۳۹).

و نیز این سخن از امیر (علیه السلام): « به راستی که سلامت در دین و دنیا، بسیار نعمتی نیکو و از طرف خدا، بخششی سنگین و گران بهاست. » (الانصاری، ۱۳۵۵: ج ۱، ص ۲۷۱).

روایاتی نیز وجود دارد که ظاهراً دلالت بر تنافی دنیا و آخرت دارد مانند دو روایت زیر که از امیر (علیه السلام) آمده.

« دنیا داشتن، آخرت را از دست دادن است. » (همان، ص ۳۶۷) و « به راستی دنیا و آخرت مانند مردی است که دو زن داشته باشد که هر گاه یکی از آن دو را خشنود بدارد دیگری بر او خشم گیرد. » (همان، ص ۲۳۲).

امادین و دنیا در تفکر اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) آنچنان به هم آمیخته بود و در هم تنیده است که به هیچ وجه تفکیک این دو از یکدیگر، میسر نیست؛ زیرا در آیات و روایات اسلامی چنان که دیدیم رویکرد یک جانبه به دین و ترک دنیا به شدت نهی و نکوهش شده است و همین طور توجه کامل و غایی به دنیا و غفلت از خدا و آخرت، زیرا موجب نگون بختی انسان می شود (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۲: ص ۵۷-۵۵).

وقتی دین به بهره برداری از دنیا تأکید نموده است پس معلوم می شود که در سخنان امیر (علیه السلام) نیز دنیا و آخرت همواره در برابر یکدیگر قرار ندارند و دنیا همواره بازدارنده از آخرت نیست. بلکه گاه دنیا در کنار آخرت و گاه در مسیر آخرت قرار گرفته است؛ در این دو صورت، دنیا و آخرت با یکدیگر جمع شده اند.

دنیای در کنار آخرت، دنیایی است که دست کم مانع آخرت نباشد؛ اگر مسلمان از پروردگار روزی فراوان دریافت کند و او به خیانت و کارهای پست آلوده نشود و آخرت را نیز فراموش نکند، چنین دنیایی از دیدگاه حضرت امیر (علیه السلام) نکوهیده نیست، بلکه ستایش شده نیز نیست. اما دنیایی که در مسیر آخرت قرار دارد؛ موجب اعمال نیک می شود؛ چنین دنیایی نه تنها نکوهیده نیست، بلکه به جهت گرایش آخرتیش پسندیده نیز هست و در روایات نیز به آن آخرت گفته می شود، نه دنیا (رشاد، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۴۴۰ و ۴۴۱).

افتراق دنیا و آخرت

در قرآن و روایات به تفاوت های زیادی بین دنیا و آخرت اشاره شده است. که در این بخش به تفاوت دنیا و آخرت از باب نعم و عذاب اشاره شده است.

تفاوت نعم دنیا و آخرت

نعمت های آن عالم را با نعمت های این عالم مقایسه نکنید، گمان نکنید بهشت و جنّات آن عالم مانند باغستان های دنیاست منتها قدری وسیع تر و عالی تر. آنجا دارِ کرامت حق تعالی و مهمان خانه الهی است؛ تمام این عالم مقابل یک تار موی حور العین بهشتی نیست؛ بلکه مقابل یک تار از حله های بهشتی که برای اهل آن فراهم شده است، نیست (خمینی، ۱۳۸۴: ص ۲۰۵).

«قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَدَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»؛ خداوند فرمودند: «بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمان ها و زمین را فرا گرفته و مهیا برای پرهیزکاران است» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۳).

« قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقٌ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»؛ خداوند فرمودند: «و هرگز چشم خود را به نعمت های ناچیز مادی که به گروه هایی از آنها داده ایم میفکن که اینها شکوفه های زندگی دنیاست و برای آنست که آنان را با آن بیازماییم و روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.» (سوره طه، آیه ۱۳۱).

در این آیه مبارک می گوید، هرگز چشم خود را به نعمت های مادی که به گروه هایی از آنها (کفار و مخالفان) داده ایم میفکن، آری آن نعمت های ناپایدار که شکوفه های زندگی دنیاست، شکوفه هایی که زود میشکند و پژمرده می شود و پری می شود و روی زمین می ریزد و چند صباحی بیشتر پایدار نمی ماند. در عین حال اینها برای این است که ما آنان را بیازماییم و به هر حال آنچه پروردگارت به تو روزی داده بهتر و پایدار است. خداوند

انواع مواهب و نعمت ها را به تو بخشیده است، ایمان و اسلام و قرآن و آیات الهی، روزیهای حلال و پاکیزه و سرانجام نعمت های جاودان آخرت، این روزی ها پایدارند و جاودانی (محمدی برازجانی، ۱۳۷۲: ص ۲۷۰).

حتی قرآن از برخی نعمت هایی نام می برد که در این دنیا با آثاری سوء همراه هستند؛ اما این لذت در آخرت و در بهشت وجود دارد بدون آن که اثر سوئی داشته باشد. مثلاً شراب های دنیایی مست کننده اند و عقل انسان را زایل کرده، او را از حالت عادی خارج می کنند. در اثر افراط در مصرف آن نیز سردرد و بیماری های مختلف کبد و ریه و قلب و سایر بیماری ها گریبان گیر انسان می شود. اما قرآن می فرماید در بهشت شراب وجود دارد و آن را این چنین توصیف می کند: «وَأَنهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّدَهُ لِّلشَّارِبِينَ؛ و رودهایی از شراب که [در آنها] برای نوشندگان لذتی است. اولاً می فرماید، یک قطره و یک فنجان نیست، جویبارها و نه‌هایی از شراب جاری است! ثانیاً می فرماید آن شراب سردرد و مستی ندارد: لا يُصَدِّعُونَ عَنْهَا وَ لا يُنْزِفُونَ؛ نه از آن سردرد گیرند و نه بی خرد گردند. تعبیر قرآن این است که هیچ رنجی در بهشت به انسان نمی رسد: لا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ؛ هیچ رنجی در آنجا به ایشان نمی رسد. یکی از نگرانی های انسان در مورد نعمت ها و لذت های دنیا این است که از دست انسان خارج می شود و تمام می گردد، اما در بهشت چنین نگرانی وجود ندارد: «وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ؛ و نه از آن جا بیرون رانده می شوند. در بهشت، دیگر انسان نگران نیست که نکند فردا این لذت و نعمت تمام شود. خیالش آسوده است که این لذت و آسایش، ابدی و همیشگی است: يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا؛ و آنان را به بهشت هایی که از زیر [درختان] آن جوی هایی روان است در می آورد؛ همیشه در آن جا ماندگارند (آیت الله مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۹).

در روایت ها نیز به تفاوت نعمت های دنیا و آخرت اشاره شده است. از امام صادق (علیه السلام) آمده که عیسی بن مریم (علیه السلام) فرمود: «برای دنیا کار میکنید با این که

در آن به شما روزی داده می‌شود بی‌کار و عمل و برای آخرت کار نمی‌کنید با آنکه در آخرت به شما روزی داده نشود جز در برابر کردار.» (کلینی رازی، ۱۳۸۱: ج ۵، ص ۲۴۱).

«به راستی که دنیا خیرش کم، شرّش آماده، لذّتش قلیل، اندوهش بسیار، نعمت خود را به سختی آمیخته و نیک بختی اش مقرون با بدبختی هاست، سودش را با زیان به هم پیوسته کند و شیرینی خود را به تلخی آمیخته می‌سازد.» (الانصاری، ۱۳۵۵: ج ۱، ص ۲۶۲).

امیر (علیه السلام): «به راستی که دنیا را با هر شربت آبش گلو گرفتنی و با هر لقمه نانش اندوه و غصّه ایست انسان در این جهان به نعمتی نرسد جز آن که نعمت دیگری را از دست بدهد و روزی از عمرش را استقبال نکند جز آنکه روزی دیگر از مدّتش را پشت سرگذارد و اثری (از آثارش) در آن زنده نشود جز آنکه اثر و نشانه دیگری از او بمیرد و از بین برود.» (همان، ص ۲۶۵).

امیر (علیه السلام): «به راستی که خداوند سبحان دنیا را به دوست و دشمنش عطا فرموده است (و برای مصالحی مؤمن و کافر را گاهی از دنیا برخوردار داشته است) لکن دین را فقط به کسی داده است که او را دوست می‌دارد و دشمنش را از دین محروم ساخته است.» (همان، ص ۲۳۰).

امیر (علیه السلام): «دنیا به تصادف است نه به شایستگی، آخرت به شایستگی و عمل به چنگ آید» (همان، ص ۱۲).

آری! دنیا بدون رعایت استحقاق به دست می‌آید؛ اما آخرت در مقابل عمل و به استحقاق به دست می‌آید و ثروت در دنیا گرچه با علل و اسباب است، اما در عین حال از راه استحقاق نمی‌باشد. نعم اخروی خالص اند. اگر شیرینی باشد خالی از هرگونه تلخی است، اگر راحتی است بدون سختی است، اگر سودی هست صد در صدی است و خیر و لذّت و خوشبختی اخروی دائمی و همیشگی است.

تفاوت عذاب دنیا و آخرت

خداوند می فرماید: « وَكَعَذَابٍ آخِرَةٍ أَشَدُّ وَأَبْقَى »؛ و عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است (سوره طه، آیه ۱۲۷).

پیامبر (صلی الله علیه و آله): « اگر آنچه را من (از کیفرهای هولناک قیامت) می دانم، شما هم می دانستید کم می خندیدید و بسیار گریه می کردید » (مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۶۵).

قرآن سختی و دردناکی فوق العاده عذاب آخرت را با اوصاف عظیم، اکبر، شدید، اشد، اشق (دشوار)، ابقى (ماندگارتر) و اخزی (رسواکننده تر) تبیین کرده است. براساس روایتی، بخشی از آتش آخرت، هفتاد بار با آب خاموش شده تا به صورت آتش دنیا درآمده است. آتش آخرت هرگز خاموش نمی شود و هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره ای [تازه] برایشان می افزایم. بلکه شعله می کشد و چهره اهل جهنم را می سوزاند و علاوه بر پوست و گوشت، جان انسان ها را نیز می سوزاند (خراسانی، ۱۳۸۷: ص ۶۳).

امام خمینی نیز در بیان سختی عذاب آخرت می فرمایند: « عذاب این عالم خیلی سهل و آسان است و ادراک تو در این عالم ناقص و کوتاه است همه آتش های این عالم را جمع کنند، نمی تواند روح انسان را بسوزاند. آنجا آتشش علاوه بر این که جسم را می سوزاند، روح را هم می سوزاند قلب را ذوب می کند، فؤاد را محترق می کند.» (خمینی، ۱۳۸۴: ص ۲۰).

در دعای کمیل مولا (علیه السلام) در قسمت اول دعا، بلایا و مصائب این دنیا را مطرح و اضافه می کنند که خدایا بلای این دنیا قلیل و در گذر است و اما چه کنم بلای آخرت سنگین و طولانی است، زیرا بلای آخرت از خشم و غضب و انتقام تو سرچشمه می گیرد و هیچ شیئی تاب تحمل آن را ندارد (محمدی برازجانی، ۱۳۷۲: ص ۱۹۲).

نتیجه گیری

دنیا به عنوان مقدمه ای است برای آخرت، مانند یک وسیله برای رسیدن به مقصد. و وسیله غیر از مقصد است. دنیا خلق شده تا جای توشه گیری برای آخرت باشد و محل امتحان و کسب لیاقت‌ها.

گرچه دنیا وسیله ای است برای رسیدن به مقصدی به نام آخرت اما به مقصد رسیدن بدون وسیله محال است لذا دین به بهره برداری از دنیا توصیه نموده و ترک دنیا نمودن به خاطر آخرت را نکوهش کرده و بیان داشته دنیا و آخرت با هم منافات ندارند و آنچه با آخرت قابل جمع نیست، حبّ دنیا است؛ همان که سرمنشا تمام خطاها و گناهان است چراکه دنیا، خوب یاوری است برای آخرت.

قرآن و روایات و خود دنیا، دنیا را به ما می‌شناسانند و عشق به دنیا و دل بستن به زیور دنیا، مانع این شناختند و برای رفع این موانع چاره ای جز دوری از وابستگی به دنیا و مأنوس شدن با زهد نیست. از مجموع روایات این نتیجه حاصل شد که بی‌ارزشی دنیا، نسبی است و دنیا در برابر آخرت بی‌ارزش است و دنیایی بی‌ارزش است که هدف نهایی انسان باشد و باعث روگردانی او از خدا و آخرت شود و ارستگی از دنیا ثمرات زیادی دارد از جمله آرامش قلب و... گرچه حبّ دنیا در حد برآوردن نیازهای طبیعی نیز نکوهیده نیست بلکه اگر انسان آن را وسیله بندگی خدا کند در لسان دین، حبّ آخرت است. و در لسان دین فقر اختیاری یعنی فقری که بنده خود را به آن دچار کرده باشد، نکوهش شده است. تفاوت دنیا و آخرت هم اینجا روشن می‌شود که خداوند دنیا را به دوست و دشمنش می‌دهد، اما آخرت را فقط به دوستان خود بخشیده است و نیز شدت و مدت عذاب اخروی با عذاب دنیوی قابل قیاس نیست دنیا گرچه از جهاتی زندان مؤمن است اما در حقیقت مؤمن در اوج لذت معنوی است و جز خیر، چیزی نمی‌بیند چرا که دین عامل روشنایی حیات و حرارت بخش زندگی اوست.

نکته این جاست که هر لذتی که از مادیات برده می‌شود در نفس انسان اثر و علاقه ای ایجاد می‌کند هر چه لذت بیشتر شود علاقه به دنیا بیشتر می‌شود و هر چه توجه به دنیا

بیشتر گردد به همان اندازه از توجه به آخرت کاسته می شود و همین طور بالعکس هر چه در دنیا بیماری و گرفتاری بیشتر باشد دل‌بستگی به آن کمتر و تنفر از آن بیشتر است. لذا خداوند هر که را بیشتر دوست دارد بیشتر از دنیا رویگردان نموده و متوجه آخرت می نماید و آنها را گرفتار می نماید تا از غیر بریده و منقطع شوند و به سوی اوی تعالی برگردند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آیت الله مصباح یزدی، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی، ۱۳۸۰.
۳. ابراهیم زاده آملی، نبی الله، «دین شناسی»، چ ۳، معاونت آموزش و اجرایی سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۸۲.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی، «ترجمه تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله و علیه و آله)»، مترجم، محمدباقر کمره ای، چ ۷، ۱۳۷۹.
۵. الانصاری، محمدعلی، «غررالحکم و دررالکلم»، چ ۱، دررالکتاب، ۱۳۵۵.
۶. خراسانی، علی، «آخرت سرای پایدار»، چ ۱، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، قم، ۱۳۸۷.
۷. خمینی، روح الله، «شرح چهل حدیث»، چ ۳۲، مؤسسه نشر و تنظیم آثار حضرت امام (رحمة الله)، ۱۳۸۴.
۸. دشتی، محمد، «ترجمه نهج البلاغه»، چ ۱، ناشر مؤسسه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۳۷۹.
۹. رشاد، علی اکبر، «دانشنامه امام علی (علیه السلام)»، چ ۱، چ ۲، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۰. سجادی، جعفر، «فرهنگ معارف اسلامی»، چ ۲، چ ۴، انتشارات کومش، ۱۳۷۹.

۱۱. فیض کاشانی، مولی محسن، «ترجمه کتاب المحججه البيضاء فی تهذیب الاحیاء (راه روشن)»، ترجمه عبدالعلی صاحبی، ج ۵، چ ۱، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۱۲. کلینی رازی، محمد بی یعقوب، «اصول کافی»، مترجم: محمد باقر کمره-ای، چ ۵، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱.
۱۳. محدثی، جواد، «پیام های عاشورا»، چ ۴، اداره آموز شهای عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۱.
۱۴. محمدی، حمید و دیگران، «تفسیر بشری»، ج ۳۰، چ ۲، مؤسسه فرهنگی دارالذکر، ۱۳۸۵.
۱۵. محمدی برازجانی، محمود، «غناء مؤمنین (شرح و تفسیری بر دعای کمیل)»، چ ۱، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، «بحارالانوار»، انتشارات فقه، قم، ۱۴۲۷ ه.ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، بی نا، بی تا.